

رومئو و ژولیت

ویلیام شکسپیر

عباس گودرزی



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

شخصیت‌های نمایش

اسکالوس، امیر ورونا (Escalus)

پاریس، نجیب‌زاده‌ای جوان و خویشاوند امیر (Paris)

جناب مونتآگ و کاپولت، سران دو خانواده‌ای که باهم

نزاعی دیرینه دارند (Montague and Capulet)

مردی کهنسال، عمومی آقای کاپولت (An Old Man)

رومئو، فرزند خانواده مونتآگ (Romeo)

مرکوتیو، خویشاوند امیر و دوست رومئو (Mercutio)

بن‌والیو، برادرزاده مونتآگ و دوست رومئو (Benvolio)

تیبالت، برادرزاده بانو کاپولت (Tybalt)

راهب لارنس، اهل فرقه فرانسیس (Friar Lawrence)

راهب جان، هم‌کیش لارنس (Friar John)

بالتازار، پیشکار رومئو (Balthasar)

سامپسون، پیشکار جناب کاپولت (Sampson)

گرگوری، پیشکار جناب کاپولت (Gregory)

پیتر، پیشکار دایه ژولیت (Peter)

آبراهام، پیشکار جناب کاپولت (Abraham)

عطار (Apothecary)

سه نوازنده موسیقی (Three Musicians)

همسرایان (Chorus)

پیشکار پاریس و پیشکاری دیگر (Page to Paris)

افسر (An Officer)

بانو کاپولت، همسر جناب کاپولت (Lady Capulet)

بانو مونتگ، همسر جناب مونتگ (Lady Montague)

ژولیت، فرزند خانواده کاپولت (Juliet)

دایه ژولیت (Nurse to Juliet)

کسانی از اهالی ورونا، چندین زن و مرد دیگر، کسانی

از خویشاوندان هر دو خاندان، نقابداران، پاسبانان،

دیدبانان و ملازمان.

مکان: بخش عمده نمایش در شهر ورونا اتفاق می‌افتد؛

تنها یک صحنه از پرده پنجم در مانتوا می‌گذرد.

[همسرایان وارد می‌شوند.]

همسرایان دو خاندان یکسان به شأن و مرتبت، ساکن‌اند
در ورونا، شهری که داستان دارد مکان،
افسوس که از کینی کهن میان آنها
عداوت است و کینه‌ها
تا هر زمان دستانی پاک به خون بی‌گناهان بیالاید.
از پشت این دو خصم سخت و در میان کارزار،
دو عاشقِ بداقبال پدید آمدند، به هم گرفتار

تا عاقبت ناکامی عشقشان با مرگ آن‌ها ختم کرد
کین و عداوت را از دل‌های سنگ و سرد.
شرح پردرد و غم این عشق و انجام آن
و همچنان خصومت و دشمنی خاندانشان
که مرگ این فرزندان بی‌گناه آخر فرونشاند،
یک‌دو ساعت می‌رود بر صحنه با هنر بازیگران.
با شکیبایی اگر خوش بنگرید،
آنچه نامد در سخن بر صحنه می‌گردد بیان.